



Facing Up to Non-Epistemic Factors Affecting the Perception of Social Justice in Terms of the Relationship between Politics and Media *

Ahmad Olyaei¹ 

1. Assistant Professor, Islamic Culture and Sciences Academy, Qom, Iran
Email: ahmad.olyaei@gmail.com



Abstract

Sometimes, we speak of justice in society, which refers to the fairness or unfairness of societal relations across all domains. Other times, we discuss people's perceptions and feelings about the state of justice. The perception of justice refers to how people mentally interpret justice, which does not necessarily align with the actual state of justice in society. This perception can significantly impact political cohesion and social order. Ignoring perceptions of social justice within a political-social system may lead to serious challenges, such as a decline in political participation and national unity. The primary goal of this article is to examine the factors influencing perceptions of justice within a political society. With this aim, the main question addressed is: What factors shape this perception? Numerous factors influence perceptions of justice, which can be divided into epistemic and non-epistemic categories. This article aims to analyze non-epistemic factors affecting the perception of justice using a descriptive-

* Olyaei, A. (2024). Facing Up to Non-Epistemic Factors Affecting the Perception of Social Justice in Terms of the Relationship between Politics and Media. *Journal of Political Science*, 27(106), pp. 141-178.
<https://doi.org/10.22081/psq.2024.68889.2880>

 **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

* **Type of article:** Research Article

 **Received:** 2024/04/22 •  **Revised:** 2024/06/09 •  **Accepted:** 2024/06/17 •  **Published online:** 2024/06/19

© The Authors



analytical method. It further explores, in terms of the relationship between politics and media, the need for and general strategies for leveraging media to enhance perceptions of social justice. Essentially, media and the political system share a vital relationship; without addressing media perceptions, a political system cannot be effectively managed. In terms of the media-politics relationship, optimal governance occurs when governments and authorities utilize media resources to improve perceptions of social justice. Governments, state-affiliated media, and other media outlets that consider perceptions of justice essential for societal political life must strive to shape this perception under theories such as cultivation, framing, and the spiral of silence. Social psychological principles, media, social class, feelings of deprivation, and subjective well-being are some of the non-epistemic factors that shape public perceptions of justice.

Keywords

Social Justice, Perception of Justice, Non-Epistemic Factors, Social Factors, Media.



مواجهه با عوامل غیر معرفتی مؤثر بر ادراک عدالت اجتماعی

مبتنی بر رابطه سیاست و رسانه*

احمد اولیایی^۱

۱. استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

ahmad.olyaei@gmail.com



چکیده

گاهی از عدالت در جامعه سخن می‌گوییم که به عادلانه‌بودن یا نبودن مناسبات جامعه در تمام حوزه‌ها اشاره دارد و گاهی از ذهنیت و احساس مردم به وضعیت عدالت حرف می‌زنیم. ادراک عدالت همان ذهنیت مردم به وضعیت عدالت است که لزوماً با وضعیت واقعی عدالت در جامعه یکسان نیست و این ادراک می‌تواند انسجام سیاسی و نظم اجتماعی را تحت الشعاع قرار دهد. بی‌توجهی به ادراک عدالت اجتماعی در نظام سیاسی - اجتماعی می‌تواند ما را با چالش‌های جدی، همچون کاهش مشارکت سیاسی و وفاق ملی مواجه کند؛ از این رو مهم‌ترین هدف مقاله بررسی عوامل مؤثر بر ادراک عدالت در جامعه سیاسی است. با این هدف، مسئله اصلی این است که چه عواملی بر شکل‌گیری این ادراک مؤثر است؟ عوامل متعددی بر ادراک عدالت تأثیر دارد که در دو دسته عوامل معرفتی و غیر معرفتی قابل تقسیم‌بندی هستند. این مقاله کوشیده است با روش توصیفی تحلیلی، عوامل غیر معرفتی مؤثر بر ادراک عدالت را تبیین کند و سپس با توجه به رابطه سیاست و رسانه، به ضرورت و راهکارهای اجمالی بهره‌برداری از رسانه برای اصلاح ادراک عدالت اجتماعی بپردازد. اساساً رسانه و نظام سیاسی رابطه بسیار مهمی با هم دارند که بدون توجه به ادراکات رسانه‌ای نمی‌توان نظام سیاسی را مدیریت کرد. مبتنی بر رابطه رسانه و

* **استناد به این مقاله:** اولیایی، احمد. (۱۴۰۲). مواجهه با عوامل غیر معرفتی مؤثر بر ادراک عدالت اجتماعی مبتنی بر رابطه سیاست و رسانه. علوم سیاسی، ۲۷(۱۰۸)، صص ۱۴۱-۱۷۸.

<https://doi.org/10.22081/psq.2024.68889.2880>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰



سیاست، حکمرانی مطلوب زمانی اتفاق می‌افتد که دولت‌ها و حاکمیت‌ها از ظرفیت رسانه برای اصلاح ادراک عدالت اجتماعی کمک بگیرند. از آن جهت که دولت‌ها و رسانه‌های در حاکمیت و تمام رسانه‌هایی که مسئله ادراک عدالت را برای حیات سیاسی جامعه ضروری می‌شمارند، ذیل نظریه‌هایی مانند کاشت، چارچوب‌سازی، مارپیچ سکوت و غیره، باید برای این ادراک تلاش کنند. قوانین روان‌شناختی اجتماعی، رسانه، طبقه اجتماعی، احساس محرومیت و رفاه ذهنی از جمله بحث‌های غیرمعرفتی است که ادراک مردم نسبت به عدالت را می‌سازد.

کلیدواژه‌ها

عدالت اجتماعی، ادراک عدالت، عوامل غیرمعرفتی، عوامل اجتماعی، رسانه.

مقدمه

عدالت اجتماعی به عنوان یکی از فضیلت‌های مهم اجتماعی، هم از اهداف انبیا^۱ و هم از نیازهای اصلی جامعه و هم از انتظارات اولیه مردم از حکومت اسلامی است.^۲ در ایران معاصر و پس از انقلاب اسلامی تاکنون، برای استقرار عدالت اجتماعی فعالیت‌های بسیاری صورت گرفته است؛ ولی همان‌طور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند انتظار بیش از این است و باید در عدالت کارهای بیشتری صورت گیرد. عدالت اجتماعی از موضوعاتی است که دشمن از آن سوءاستفاده می‌کند و اساساً در جنگ ادراکی دشمن کاربرد زیادی دارد. دشمن برای آنکه ناکارآمدی نظام سیاسی را نشان دهد، روی فساد، ظلم و بی‌عدالتی در جامعه مانور می‌دهد؛ بنابراین مشاهده می‌شود که رهبر معظم انقلاب در بیانات خود بر پژوهش درباره عدالت و عملی کردن آن، جهت جلوگیری از توطئه‌های دشمن تأکید دارند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

ریز موضوعات عدالت اجتماعی متعدد است و از نظریه‌ها، معیارها تا شاخص‌ها را در بر می‌گیرد؛ اما «ادراک عدالت»^۳ یکی دیگر از موضوعات مهم عدالت پژوهی است که نوشتار حاضر بر آن استوار است. ادراک عدالت به دریافت مردم از عدالت اجتماعی در جامعه اشاره دارد. این دریافت می‌تواند مطابق یا غیر مطابق با واقعیت باشد. چه بسا در جامعه‌ای عدالت برقرار باشد، ولی مردم احساس بی‌عدالتی کنند و برعکس. از آن جهت که در بحث ادراک عدالت، دریافت مردم که مبتنی بر فرایند ادراک آنهاست، مد نظر قرار می‌گیرد و از جهتی احساس بی‌عدالتی یکی از مکان‌های حمله دشمن است؛ در نتیجه ضروری به نظر می‌رسد که درباره آن پژوهش شود.

ادراک عدالت همان‌گونه که از نام آن مشخص است، فرایندی ادراکی است و با ادراک سروکار دارد. عموم فرایندهای ادراکی در گیر عوامل ادراکی می‌شوند. مدیریت

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵).

۲. «این نظام اسلامی به وجود آمده است. اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل واجب‌ترین کارهاست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۴/۲۵).

3. Perception of justice.

جامعه‌ای که عموم مردم آن ادراکی از عدالت نداشته باشند یا احساس بی‌عدالتی کنند، بسیار دشوار خواهد بود و اساساً در چنین جامعه‌ای مردم حاضر به مشارکت‌های اجتماعی برای پیشبرد اهداف نظام نیستند؛ پس بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت ادراک عدالت اجتماعی و راهکارهای آن، می‌تواند موضوعی جدید و مورد نیاز باشد. عوامل مؤثر بر ادراک عدالت را می‌توان به دو دسته کلی عوامل معرفتی و غیرمعرفتی تقسیم کرد که این تحقیق درصدد تبیین عوامل غیرمعرفتی است. به نظر می‌رسد این عوامل غیرمعرفتی را می‌توان ذیل عوامل رسانه‌ای تجمیع کرد؛ بدین معنا که اگر در حکمرانی به نقش رسانه بیشتر توجه شود، بخش عمده‌ای از این ادراک اصلاح‌پذیر است.

۱. پیشینه تحقیق

قاسمی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «تحلیلی جامعه‌شناختی بر احساس عدالت در بین معلمان شهر زنجان»، به صورت خاص، درباره نقش چند مؤلفه مانند احساس محرومیت روی قشری خاص بررسی میدانی کرده، اما ناظر به عوامل مؤثر بر ادراک سخنی نگفته است.

آذربایجانی و کاظمی نجف‌آبادی (۱۳۹۶) نیز در تحقیقی با عنوان «درنگی در مفهوم احساس عدالت قضایی»، به تبیین مفهوم ادراک عدالت قضایی پرداخته‌اند. در این تحقیق ادراک عدالت قضایی به معنای هیجان بوده و ادراک عدالت قضایی به عملکرد دستگاه قضا ناظر است. این پژوهش درباره ادراک کلی عدالت اجتماعی بحثی نمی‌کند.

پورعزت و سلیمی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر رابطه ادراک بی‌عدالتی در سازمان بر گسترش میل به فساد اداری»، در صدد اثبات این موضوع هستند که احساس بی‌عدالتی در سازمان، کارمندان را به سمت ارتکاب به فساد در سازمان متمایل می‌کند. این مقاله نیز اشاره‌ای به عوامل مؤثر بر ادراک ندارد.

میرسندسی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل درک مردم از عدالت در مشهد»، با روش میدانی، تعریف مردم شهر مشهد را در مورد عدالت بررسی کرده‌اند. هرچند

در این تحقیق به درک مردم از عدالت اشاره می‌شود، در باب عوامل مؤثر بر ادراک بحثی ندارد.

رضاپور (۱۳۷۵) نیز در تحقیقی با عنوان «درک عدالت در میان جوانان»، به بررسی میدانی دیدگاه جوانان درباره عدالت پرداخته‌اند. در این پژوهش بیشتر بر روی امید به عنوان یکی از عوامل درک عدالت تأکید شده است که نسبت به بحث ما جامعیت ندارد.

۲. رابطه سیاست-رسانه برای مواجهه با عوامل ادراک عدالت اجتماعی

اکنون که انسان در محاصره انواع و اقسام رسانه‌ها زیست می‌کند و ادراک نیز از جنس پیام و برداشت و پنداشت است که رسانه مهم‌ترین نقش را در ساخت آن دارد، می‌توان عوامل غیر معرفتی مؤثر بر ادراک عدالت را به نوعی عوامل رسانه‌ای دانست؛ با این توضیح که گاهی ما پیام مستقیم را از رسانه‌هایی مانند تلویزیون، رادیو و ... دریافت می‌کنیم و گاهی پیام را از ارتباطات انسانی خود در فضای زیست واقعی رسانه‌ای مانند شبکه‌های اجتماعی می‌گیریم. از سوی دیگر حکمرانی بدون توجه به ادراک عدالت اساساً به مشکلات عدیده‌ای بر می‌خورد و باید برای اصلاح این ادراک بکوشد. در مواجهه با عوامل فوق توجه به رابطه سیاست و رسانه می‌تواند برای حاکمیت یا دولت مؤثر باشد.

این رابطه را می‌توان در دو رویکرد دسته‌بندی کرد:

الف) رویکرد رسانه - محور: این رویکرد اشاره دارد که رسانه نقش محوری در عالم سیاست و پیشبرد اهداف و برنامه‌های سیاسی دولت‌ها ایفا می‌کند.

ب) رویکرد جامعه - محور: در این رویکرد مردم و جامعه از رسانه‌ها استفاده می‌کنند؛ نه اینکه لزوماً مورد سوءاستفاده رسانه‌ها قرار گیرند (مک کوایل، ۱۳۸۵، ص. ۹۵). واضح است که در هر دو رویکرد، نمی‌توان منکر نقش رسانه شد؛ اما در دومی نوعی احترام و استقلال برای مخاطب در نظر گرفته شده و حال آنکه در رویکرد رسانه - محور، مخاطب اساساً مخاطب منفعل در نظر گرفته شده است.

ذیل هر دور رویکرد، فرصت مناسبی برای دولت‌ها و حاکمیت‌ها برای اصلاح ادراک عدالت اجتماعی مردم از طریق رسانه وجود دارد. اساساً انسان امروز انسان رسانه‌ای است. این را نظریه وابستگی^۱ نیز تأیید می‌کند. این نظریه را بال روکیچ^۲ و ملوین دی فلو^۳ مطرح کردند؛ با این توضیح که افراد وابستگی شدیدی به رسانه دارند و این وابستگی به دلیل نوع زیستن در دنیای مدرن امروز است که دستیابی به اطلاعات بسیار ضروری است (دهقان، ۱۳۸۷، ص. ۱۹). این ضروری بودن سبب می‌شود انسان‌ها به دنبال رسانه باشند.

۳. ادراک عدالت اجتماعی به مثابه امر سیاسی رسانه‌ای

ادراک فرایندی است که به وسیله آن افراد پنداشت‌ها و برداشت‌هایی را که از محیط خود دارند، تنظیم و تفسیر می‌کنند و بدین وسیله به آن معنا می‌دهند (باقری‌فر، ۱۳۹۴، ص. ۲)؛ از این رو ادراک عدالت اجتماعی به برداشت جامعه از وضعیت عدالت اشاره دارد؛ به بیان دیگر آنچه که در ذهن افراد درباره وضعیت عدالت یا ظلم در جامعه نقش می‌بندد، ادراک عدالت اجتماعی نامیده می‌شود. این ادراک هر چند ذاتاً اجتماعی است، با عرصه سیاست به شدت گره خورده است که در ادامه وجه آن تبیین می‌شود؛ همچنین از سوی دیگر امری رسانه‌ای است؛ زیرا که ادراک در عصر ارتباطات و رسانه اساساً بدون تأثیر رسانه شکل نمی‌گیرد.

۴. اهمیت ادراک عدالت در جامعه سیاسی

ادراکات همه دنیای پیرامون ما را فراگرفته‌اند. به قول هیوم^۴ «ما در حصر ادراکات هستیم. اساساً نمی‌توانیم تصور کنیم که شیء یا اشیایی خارج از ادراکات ما وجود

1. Dependency Theory.

2. Sandra Ball Rokeach.

3. Melvin De Fleur.

4. David Hume.

دارند» (کاپلستون، ۱۳۹۳، ج. ۵، ص. ۳۱۰). اما مگر ادراک عدالت چه آثاری دارد که باید نگران آن بود؟ یا برای موضوعی چون ادراک عدالت اجتماعی، وقت صرف شود؟

۱-۴. وفاق اجتماعی

ادراک عدالت می‌تواند وفاق اجتماعی^۱ را به همراه آورد. وفاق اجتماعی از منظر گیدنز^۲ توافق در باب ارزش‌های اجتماعی بنیادی توسط اعضای جامعه است (گیدنز، ۱۳۸۳، ص. ۷۸۵). عدالت اجتماعی به عنوان یکی از فضایل مهم اجتماعی یا مهم‌ترین فضیلت اجتماعی، خود از ارزش‌های اجتماعی است که می‌تواند مورد موافقت اجتماعی قرار گیرد. نبود توافق بر موضوع عدالت اجتماعی، خود بستر ستیز اجتماعی^۳ خواهد بود. اگر آحاد مردم اشتراکات کمی در درک از عدالت داشته باشند، تعارض‌های اجتماعی حاصل از این تفاوت‌ها در کنشگری عدالت‌خواهانه یا سکوت ناامیدانه از وضعیت تبلور می‌یابد. اساساً مردم جامعه‌ای که درک متضادی از عدالت دارند، در امور دیگر وفاق اجتماعی لازم را نخواهند داشت. عدالت اجتماعی زمینه وفاق اجتماعی را بیش از پیش فراهم می‌کند. اساساً طرز تلقی مردم از عدالت و توافق بر سر آن، خود نشان وفاق اجتماعی است (بشیریه، ۱۳۸۳، ج. ۲، ص. ۲۴۸).

۲-۴. مشارکت سیاسی

نگاه مردم به عدالت اجتماعی، چه از حیث ماهیت و چه از حیث وضعیت کنونی آن، می‌تواند نقطه عزیمتی برای کاهش یا افزایش مشارکت سیاسی^۴ آنها باشد. مشارکت سیاسی سطوح و مراحل متعددی از مقام سیاسی داشتن تا رأی‌دادن به عنوان شهروند را شامل می‌شود (راش، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۶). نظام سیاسی اساساً برای توزیع قدرت آمده است و

1. Social consensus.

2. Anthony Giddens.

3. Social conflict.

4. Political Participation.

باید عدالت‌خواهی سیستم، حاکمیت و دولت^۱ برای مردم محرز شود؛ بنابراین افراد برای حمایت از نظام سیاسی مبتنی بر ادراک مثبتی که از عملکرد عدالت‌طلبانه نظام سیاسی دارند، مشارکت سیاسی خواهند داشت (راغفر و فدوی اردکانی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۹).

۳-۴. نظم اجتماعی

نظم اجتماعی^۲ از مفاهیم بنیانی جامعه‌شناسی است و اصولاً جامعه بدون نظم اجتماعی، تصورناپذیر است (چلبی، ۱۳۸۲، ص. ۲). علامه طباطبایی جامعه را از ضروریات زندگی انسان می‌داند و نظم اجتماعی را نیز شرط رسیدن انسان اجتماعی به سعادت می‌شمارد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج. ۱۶، ص. ۲۸۷). عدالت اجتماعی یکی از عوامل مهمی است که به نظم اجتماعی منجر می‌شود و به تبع، ادراک عدالت نیز در شکل‌دهی به نظم اجتماعی و ارتقا یا تضعیف آن نقش دارد. کنش‌های مردم مبتنی بر برداشتی که از وضعیت عدالت دارند، می‌تواند نظم اجتماعی را با چالش مواجه کند.

گفتنی است توجه یا بی‌توجهی به ادراک عدالت اجتماعی می‌تواند آثار متعدد دیگری چون سلب اعتماد عمومی و بی‌توجهی اجتماعی نیز داشته باشد که در اینجا فقط به بعضی از آنها اشاره شد. در نگاه اسلامی نیز می‌توان اهمیت ادراک، یعنی دریافت و ذهنیت مخاطب و مردم را از عدالت دریافت. این اهمیت در عدالت قضایی، جایی که رفتار قاضی باید عادلانه باشد، بیشتر مشاهده می‌شود. شیخ طوسی در المبسوط فی فقه الامامیه، ذیل دلالت روایتی از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره می‌کند که قاضی حتی حق ندارد با یکی از دو طرف دعوی بلندتر صحبت کند (طوسی، ۱۳۸۷، ج. ۸، ص. ۱۴۹). بی‌گمان بلندشدن صدای قاضی به حکم عادلانه وی لطمه‌ای نمی‌زند؛ بلکه احساس بی‌عدالتی را در فردی که با صدای بلند با او صحبت شده است، ایجاد می‌کند. شاید شارع برای جلوگیری از این احساس و ادراک، به قاضی چنین حقی را نمی‌دهد.

در توصیه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام به شریح قاضی آمده است: «وَأَسْ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ بَوَّجْهًا

1. State.

2. Social order.

وَمَنْطِقًا وَمَجْلِسًا حَتَّى لَا يَطْمَعَ قَرِيْبُكَ فِي حَيْفِكَ وَلَا يَأْسَ عَدُوُّكَ فِي عَدْلِكَ» (حرعاملی، ۱۳۸۷، ج ۲۷، ص ۲۱۲)؛ میان مسلمانان در نگاه کردن و سخن گفتن و نشستنت برابری را رعایت کن تا نزدیکانت به جانبداری [و ستم] تو امید نبندند و دشمنانت از دادگری تو نومید نشوند». پرسش این است که مگر نگاه کردن، سخن گفتن یا نوع نشستن در عدالت واقعی تأثیر دارد؟ قاضی می‌تواند با شاکی بخندد و در سمت او بنشیند؛ اما عادلانه در دعوا حکم کند. آن چیزی که به احتمال می‌توان برداشت کرد، اهمیت ادراک عدالت است. رفتار قاضی می‌تواند شاکی یا مشتکی‌عنه را به وجود عدالت واقعی بدین کند یا دست کم ائصاف قاضی به صفت عادل را نزد وی مخدوش سازد.

فردی چند روز مهمان امیر مؤمنان علیه السلام بود و پس از آن، دعوایی را که پیش‌تر به حضرت نگفته بود، نزد حضرت مطرح کرد. امام علی علیه السلام به دعوی او رسیدگی نکردند و دلیل را نیز نهی رسول خدا صلی الله علیه و آله از مهمان کردن طرف دعوا بیان فرمود.^۱ این داستان نیز دال بر ادعای یادشده است. این بحث در غیر از عدالت کیفری نیز دیده می‌شود. زمانی که امام علی علیه السلام محمد بن ابوبکر را به حکومت مصر منصوب کردند، برای او این‌گونه نوشتند: «أَخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَالْأَلْنَ لَهُمْ جَانِبَكَ وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَآسِ بَيْتَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظْرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَلَا يَأْسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ» (نهج البلاغه، نامه ۲۷)؛ با مردم فروتن و نرم‌خو و گشاده‌رو باش، همه را به یک چشم و نظر ببین تا بزرگان بر تو طمع حیف و میل نبندند و ضعیفان از عدالت تو مأیوس نشوند.

والی و حاکم نیز باید به ادراکات مردم اعم از ترس‌ها، امیدها، ناامیدی‌ها و... اهمیت دهد و بداند که قدرت این ادراکات به‌حدی است که می‌تواند مسیر جامعه را تغییر دهد؛ از این‌رو حضرت کارگزار خود را از ناامید کردن و القای ادراک ناصوابِ ظلم بر حذر می‌دارند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز در نامه خود به مالک اشتر، ادراک مردم از حکومت و

۱. «أخضم أنت؟ قال: نعم، قال: تحوّل عنّا إنّ رسول الله نهى أن يضاف الخضم إلا ومعه خصمه» (حرعاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۷، ابواب آداب قاضی، باب ۳، ص ۱۵۷، ح ۲).

عملکرد آن را مهم می‌شمارند و به ایشان می‌فرماید: «ثُمَّ اعْلَمْ يَا مَالِكُ اَنْتَى قَدْ وَجَّهْتُكَ اِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دُولٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلِ وَجَوْرِ وَأَنَّ النَّاسَ يَنْظُرُونَ مِنْ اُمُورِكَ فِي مِثْلِ مَا كُنْتَ تَنْظُرُ فِيهِ مِنْ اُمُورِ الْوَلَاةِ قَبْلَكَ وَيَقُولُونَ فِيكَ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِيهِمْ وَإِنَّمَا يَسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يَجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى اَلْسِنِ عِبَادِهِ»؛ ای مالک، تو را به سرزمینی فرستاده‌ام که پیش از تو حکومت‌هایی در آنجا جریان داشته‌اند که برخی عادلانه و برخی ظالمانه با مردم رفتار کرده‌اند؛ بی‌تردید مردم در همه امور و شئون حکومت تو نظاره خواهند کرد؛ همان‌گونه که تو در شئون حکومت‌های گذشته نظاره می‌کردی. درباره‌ی تو همان را خواهند گفت که تو خود درباره‌ی آنان می‌گفتی. نیکوکاران را به نام نیک‌ی می‌توان شناخت که خداوند بر زبان‌های بندگانش جاری ساخته است (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). این کلام حضرت نشان می‌دهد که گاهی حتی ممکن است حکومتی عادلانه رفتار کند، اما مردم چنین ادراکی نداشته باشند؛ بنابراین به مالک گوشزد می‌کنند که باید به ادراک و افکار مردم دقت داشت. حتی ایشان رضایت مردم را که می‌تواند حاصل ادراکات ذهنی آنان ولو به‌غلط باشد، مهم می‌شمرند: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعْمَقُهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَةِ»؛ باید که محبوب‌ترین کارها نزد تو کارهایی باشد که با میانه‌روی سازگارتر و با عدالت‌دمسازتر باشد و خشنودی رعیت را در پی داشته باشد (همان).

۵. عوامل غیر معرفتی مؤثر بر ادراک عدالت اجتماعی

این عوامل را می‌توان به صورت‌های متعددی مانند عوامل داخلی یا خارجی، عوامل فردی یا اجتماعی و عوامل محیطی یا غیر محیطی بررسی کرد؛ اما پیشنهاد اولیه، دو گانه‌ی عوامل معرفتی و غیر معرفتی است. علل و عوامل معرفتی همان استدلال‌ها و شناخت‌های مبتنی بر منطق، تعریف‌های مستدل و... است؛ اما عوامل غیر معرفتی به اموری غیر از استدلال اشاره دارد که می‌تواند فرد را فارغ از درستی، به سمت رد یا پذیرش نظر و معرفت رهنمون شود (منصوری و محمدزاده، ۱۳۹۱، ص. ۶). عوامل غیر معرفتی^۱ عواملی هستند

1. Non-epistemic.

که از فکر و اندیشه و معرفت فرد ناشی نمی‌شوند؛ بلکه تأثیرات محیطی، روحی و مانند آنها را شامل می‌شوند.

عوامل غیر معرفتی گاهی چنان قدرتی می‌یابند که عوامل معرفتی را تحت پوشش خود قرار می‌دهند. باورها و جهان‌بینی‌ها با آنکه از لایه‌های مهم، محکم، زیرین و قوی فرهنگ و در نهایت کنش هستند، گاهی در مقابل عوامل محیطی مانند رسانه تاب مقاومت ندارند و تحت الشعاع قرار می‌گیرند. ویلیام جیمز^۱ روان‌شناس حوزه دین و نویسنده کتاب تنوع تجارب دینی^۲، به این نکته اشاره می‌کند که حتی عوامل معرفتی آن قدر که عوامل غیر معرفتی می‌توانند دیدگاه‌های ما را بسازند و تغییر دهند، نمی‌توانند نقش ایفا کنند. او استدلال می‌کند که عوامل معرفتی هر چند عمیق و باارزش و جزو لایه‌های زیرین هستند، گاه یارای مقاومت با عوامل غیر معرفتی را ندارند. او عواملی مانند بیم و امید، عشق و نفرت، منابع شخصی، منافع گروهی و القائات کودکی را از عوامل غیر معرفتی می‌داند (William, 2008, p.97).^۳

البته باید یادآور شد که منظور از عامل و عوامل دقیقاً معنای فلسفی آنها نیست. ممکن است در فهرستی که در ادامه می‌آید، برخی علت، برخی عامل، برخی زمینه و بعضی نیز روند و... باشند. به‌طور کلی مقصود ما آن بخش از موارد غیر معرفتی مؤثر در ادراک عدالت اجتماعی است.

۱-۵. قوانین گشتالت

روان‌شناسی گشتالت، مکتب روان‌شناسی است که در سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰م. بنیان‌گذاری شد و رادلف آرنهایم^۴، ورتایمر^۵، کهلر^۶ و کافکا^۷ از اندیشمندانی‌اند که آن

1. William James.
2. The Varieties Religious of Experiences.
3. James, William.
4. Rudolf Arnheim.
5. M. Werthimer.
6. W. Koehler.
7. K. Koffka.

را پرورش داده‌اند (ایروانی، ۱۳۷۱، ص. ۱۵۰). ایده اولیه و اصلی این مکتب این بود که اساساً چگونه می‌شود یک شیء یا فرم را با سامان‌دهی اجزای آن، در قالب یک کل معنادار درک کنیم (باورز، ۱۳۹۱، ص. ۴۶). رادلف آرنهایم در مقاله «نظریه فرم» در سال ۱۳۹۲، ذیل همین مکتب، اصول و قوانین اصلی و کلی گشتالت را برشمرده (Willsdon, 2000, p.67). قانون تکمیل،^۱ قانون مشابهت،^۲ قانون مجاورت^۳ و قانون تقارن^۴ از قوانین گشتالت است؛ اما یکی از اصول و قوانینی که به بحث ما ارتباط مستقیم دارد، اصل و قانون پیوستگی، امتداد یا تداوم^۵ است. این اصل که بر صرفه‌جویی ساختار ادراکی مبتنی است (شاپوریان، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۲)، به تمایل آدمی بر ادراک داده‌ها به صورت کل اشاره دارد؛ به بیان دیگر انسان مایل است «کل‌ها» را بدون تجزیه که مستلزم سعی و کوشش است، درک کند (ایروانی و خداپناهی، ۱۳۷۱، ص. ۱۵۳).

در ادراک عدالت اجتماعی، بخشی از مشکل را می‌توان بر اساس این اصل گشتالت تفسیر کرد. مردم کلیت وضعیت اقتصادی را به عنوان کل مشاهده می‌کنند و بدون تفکیک اجزا ترجیح می‌دهند با توجه به نامطلوبیت وضعیت اقتصادی، ادراک کلی نامطلوبی داشته باشند. هنگامی که در بخشی از جامعه یا شهر یا در میان فردی از دوستان یا آشنایان، یک نابرابری اجتماعی مصداقی را مشاهده می‌کنید، ذهنتان تمایل دارد بدون توجه به جزئیات و علل و عوامل آن وضعیت، حکم کلی و سریع برای کلیت جامعه صادر کند.

اساساً روان‌شناسی گشتالت یا گشتالت درمانی تلاش دارد به انسان بیاموزد که نه خود به صورت مجزا و پاره‌پاره خود را بشناسد، نه در برابر جامعه جزءنگر باشد (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۸۹).

عدالت اجتماعی وضعیتی همه‌جانبه و ذوابعاد است. بدون توجه به همه ابعاد و

-
1. Law of closure.
 2. Law of similarity.
 3. Law of proximity.
 4. Law of symmetry.
 5. Low of Continuance / Continuity.

مؤلفه‌ها که به وضعیت کلی جامعه نابرابر منجر شده است، نمی‌توان دربارهٔ وضعیت حکمی صادر کرد یا ادراکی داشت. باید فرد بدانند اگر می‌خواهد دربارهٔ وضعیت عدالت و ظلم در جامعه تصویر و درکی داشته باشد، نباید به ذهن خود اجازه دهد جامعه به مثابه یک کل را به اجزا و افراد تقلیل دهد. این عامل غیر معرفتی عامل شناختی برآمده از مکتب گشتالت است. روشن است عواملی که در این بخش ذکر می‌شوند، لزوماً در همه موارد صادق نیستند و چه بسا مخالفانی داشته باشند.

۵-۲. نظریه اسناد

انسان‌ها همواره در حال تفکر و تأمل‌اند. این تفکر همیشه دامنهٔ وسیعی را به قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها اختصاص می‌دهد. اینکه چرا وضعیت این چنین است یا چرا فلانی این کار را کرد؟ اینکه چرا نابرابری در جامعه وجود دارد یا به کدام دلایل، ساختارها این گونه عمل می‌کنند؟ اینها پرسش‌هایی است که انسان اجتماعی را همیشه به خود مشغول می‌کند. اساساً «چرایی وضعیت کنونی» پرسشی برای انسانی است که در حال (زمان خود) زندگی می‌کند و درباره خود، دیگران و جامعه‌اش نگران است. مانسو و اسپیتزبرگ،^۱ دو تن از اندیشمندان روان‌شناسی اجتماعی، همین نکته را گوشزد می‌کنند که به طور طبیعی، افراد در حال کشف علل بروز وقایع هستند؛ زیرا با این کار در صدد درک پیرامون خودند. این فعل دلیل‌یابی همان «اسناد»^۲ است (بهارلو و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۴۰)؛ به عبارت دیگر فرایند کسب اطلاعات در باب چرایی رفتارها و وضعیت‌ها اسناد نامیده می‌شود (شمس اسفندآباد، ۱۳۸۴، ص. ۱۲). نظریهٔ اسناد^۳ نظریه‌ای شناختی و انگیزشی است که شیوه‌هایی را که افراد با آنها رویدادها و حوادث را تبیین می‌کنند، بررسی و درباره روابط علی و معلولی بحث می‌کند (ریو، ۱۳۸۵، ص. ۴۵). توجه به این نظریه و روند می‌تواند به ما در فهم چرایی و چگونگی ادراک وضعیت عدالت اجتماعی کمک کند.

1. Manusov & Spitzberg.

2. Attributions.

3. Attribution theory.

نکته مهمی که در بررسی این وضعیت غیر معرفتی وجود دارد، خطاهایی است که در اسناد پیش می‌آید؛ خطاهایی که در بحث ما، یعنی ادراک عدالت نیز می‌تواند مسیر ادراک را به انحراف کشاند. یکی از این خطاها که اساساً خطایی ادراکی است، مقوله عامل و ناظر^۱ است (ارونسون، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۷-۱۹۲). گاهی انسان خود عامل پدیده یا فعال^۲ موقعیت است و گاه در مقام ناظر و مشاهده‌گر قرار دارد. هریک از شأنیت‌ها تأثیراتی در ادراک دارد. هنگامی که خود فرد فاعل است، از فعل، عملکرد، علت‌ها، عوامل، آسیب‌ها، موانع و ظرفیت‌ها اطلاعات کافی دارد. این اشراف خود ثمرهایی در ادراک دارد که ادراک را به واقع نزدیک‌تر می‌سازد؛ اما هنگامی که صرفاً نظاره‌گر یک فعل یا پدیده هستیم، صرفاً چیزهایی را می‌بینیم که قابل رؤیت است و آن همان رویدادهای حاصل شده است. همه اطلاعات پشت صحنه اعم از نیت‌ها، اهداف، توانایی‌ها، تلاش‌ها، موانع و... برای ما پوشیده است؛ بنابراین امکان زیادی دارد که ادراک ما از وضعیت موجود مطابق با واقعیت نباشد.

۳-۵. نظریه انصاف^۲

نظریه انصاف در اینجا نظریه عدالت نیست؛ بلکه نظریه روان‌شناسی اجتماعی است که به مبحث ادراک عدالت می‌پردازد. نظریه انصاف یا برابری در پی تحلیل این مطلب است که مردم با چه فرایندی درباره عادلانه یا ناعادلانه بودن رفتار دیگران تصمیم می‌گیرند و به آن واکنش نشان می‌دهند (ازکمپ، ۱۳۹۲، ص. ۵۸۱). نظریه انصاف مانند نظریه مبادله، به نقش عوامل خارجی بر رضایت اهمیت می‌دهد و اساساً خاستگاه نارضایتی‌ها و اعتراض‌ها را ادراک افراد از عدالت، برابری و بی‌عدالتی می‌داند. این نظریه به وابستگی میان افراد و مقایسه‌ها و قضاوت‌ها اهمیت فراوان می‌دهد و مبنای هر تفسیری را چگونگی پاداش‌دهی می‌داند (طالبان، ۱۳۷۳، ص. ۱۷).

1. The Actor- observer Effect.

2. Equity theory.

مطابق نظریه انصاف یا برابری، هر فرد خود را درباره نتایج^۱ حاصل از کار خود نسبت به داده آهایش در همان کار، پیوسته با دیگران مقایسه می کند و در این مقایسه، برابری یا نابرابری را ادراک می کند. به طور کلی نتایج، داده ها و ادراک فرد بر ادراکات شخصی و فرایند مقایسه مبتنی است (الوانی، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۳)؛ به عبارت دیگر افراد داده ها (ورودی اعم از کار و تلاش یا سرمایه) خود و نتایج (سود یا حقوق) به دست آمده خود را با داده ها و نتایج به دست آمده دیگران مقایسه می کنند و پس از آن، به احساس بی عدالتی یا عدالت می رسند.

نظریه انصاف را نخستین بار استیسی آدامز^۳ روان شناس محیط کار و سازمان، در سال ۱۹۶۰م. ارائه کرد. او می گوید هر گاه شخصی ادراک کند که نسبت درون داده های او به بازده هایش در مقایسه با نسبت درون داده های دیگری به بازده های اول نابرابر است، ادراک نابرابری برایش پدید می آید. این امر ممکن است هنگامی روی دهد که یا وی و دیگری رابطه مبادلاتی مستقیمی با هم داشته باشند یا هر دو رابطه مبادلاتی با فرد سوم داشته باشند و شخص خود را با دیگری مقایسه کند (کورمن، ۱۳۷۰، ص. ۱۰۲). طبق این برداشت، نابرابری منفی هنگامی ایجاد می شود که فرد ادراک کند با توجه به داده های خود، نسبت به دیگران دریافتی کمتری دارد و نابرابری مثبت هنگامی ایجاد می شود که فرد ادراک کند با توجه به داده های خود، نسبت به دیگران بیشتر دریافت می کند. هر دو نوع ادراک نابرابری انگیزاننده است (رضائیان، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۲).

پیدایش، افزایش یا کاهش احساس عدالت چیزی است که آدامز در پی آن است و ادراک بی عدالتی را ناشی از «بیش پاداش بردن» یا «کم پاداش بردن» می داند (Hegtvedt & Barry, 1995, p.264). بی گمان پیامدهای این حالات می تواند متعدد باشد و به جامعه لطمه های بزرگی وارد سازد؛ بنابراین آدامز می کوشد رابطه خرسندی و رضایت را همواره با پاداش بررسی کند. او این رابطه را این گونه نشان می دهد (میرسندی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۶).

1. Outcomes.
2. Input.
3. J. S. Adams.

۴-۵. نظریه مقایسه اجتماعی

مقایسه اجتماعی یکی از نظریه‌های مهمی است که می‌توان از آن در بحث ادراک عدالت اجتماعی بهره برد. نظریه مقایسه اجتماعی^۱ را روان‌شناسی اجتماعی به نام لئون فستینگر در سال ۱۹۵۴م. مطرح کرد. این نظریه به ارزیابی وضعیت فرد در مقایسه با وضعیت دیگران می‌پردازد (رضائیان، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۱). این نظریه در اصل برای یادگیری اجتماعی است؛ بدین معنا که فرد می‌تواند مثلاً به منظور تقویت اعتماد به نفس، به کسانی در مرتبه پایین‌تر بنگرد و با هدف ترسیم وضعیتی مطلوب به بهتر از خود نگاه کند (سپاه منصور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۹۲)؛ اما در این مقایسه اجتماعی، اتفاق دیگری نیز می‌افتد که همان ارزیابی وضعیت برابری و عدالت و قضاوت درباره آن است. در مقایسه اجتماعی، گاهی هدف یادگیری اجتماعی و مانند اینهاست، اما به طور ناخودآگاه، به احساس‌هایی مانند حقارت، خودبرتربینی و احساس عدالت منجر می‌شود. ارسطو در بحث عدالت به نقش مقایسه اجتماعی اشاره می‌کند و معتقد است درک افراد از عدالت در چارچوب مقایسه اجتماعی رخ می‌دهد و اساساً فضای غیرمقایسه‌ای در ادراک عدالت تأثیر بسزایی ندارد (میرسندی، ۱۳۹۰، ص. ۷۲).

جعفر هزارجریبی در مقاله «بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، تلقی از مقایسه خود با دیگران را سومین متغیر تأثیرگذار بر احساس عدالت می‌داند؛ بنابراین میزان احساس عدالت وابسته به تلقی فرد از مقایسه خود با دیگران است (هزارجریبی، ۱۳۹۰، ص. ۵۹). مقایسه اگر مقایسه‌ای مادی با نگاهی به وضعیت بهتر دیگران باشد، جز حسرت، چیزی به همراه ندارد؛ همان‌گونه که در حدیث شریف می‌خوانیم: «مَنْ اتَّبَعَ بَصْرَهُ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ طَالَ هَمُّهُ وَكَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۲۸، ص. ۳۱۷)؛ هر که چشمش به دنبال مالی باشد که در دست مردم است، اندوهش به‌درازا می‌کشد و خشمش برطرف نمی‌شود. به طبع این خشم همان عنصری خواهد بود که تحلیل فرد از عدالت و درنهایت ادراک وی را دچار خطا می‌کند؛ بنابراین رسول

1. Leon Festinger.

اکرم عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: «إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى مَنْ فَضَّلَ عَلَيْهِ فِي الْمَالِ وَالْخَلْقِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى مَا هُوَ أَشْفَلُ مِنْهُ» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج. ۷، ص. ۱۸۷)؛ هر گاه یکی از شما به دیگری که در مال و جمال از او برتر است می نگرَد، به آنچه پایین تر از اوست نگاه کند. مقایسه در مباحث دنیوی با پایین تر از خود راهکاری دینی برای زدودن غم و اندوه از وضعیت موجود است.

۵-۵. محرومیت نسبی

محرومیت نسبی^۱ به یک وضعیت ادراکی اشاره دارد که در ذهن افراد شکل می گیرد. این وضعیت چنان مهم است که حتی می تواند در بلندمدت و در ماهیت جمعی اش، به تغییرات اساسی اجتماعی و انقلاب های سیاسی نیز بینجامد. محرومیت نسبی از همان جنس ادراک بی عدالتی است. این محرومیت به یک تفاوت قابل درک میان انتظارات ارزشی فرد و توانایی ارزشی وی اشاره دارد (Gurr, 1970, p.13)؛ به عبارت دیگر تفاوتی که فرد میان داشته ها و خواسته ها حس می کند، همان محرومیت نسبی است. این نظریه را تد رابرت گر^۲ در کتاب چرا انسان ها شورش می کنند؟^۳ بیان کرده است. این احساس محرومیت می تواند توابع متعددی در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته باشد. هر چند محرومیت نسبی کمی فرد گرایانه است (مشیرزاده، ۱۳۷۱، ص. ۴۲)، هنگامی که در تعداد زیادی از مردم به وجود آید، احساسی جمعی خواهد بود.

محرومیت نسبی لزوماً حالت روانی نادرست و مبتنی بر ذهنیات و ادراکات افراد نیست؛ بلکه ممکن است واقعاً فرد محروم شده باشد؛ بنابراین تمام کسانی که احساس محرومیت نسبی دارند، مستحق سرزنش نیستند. فارغ از منبع شکل گیری محرومیت و چگونگی به وجود آمدن آن در افراد، محرومیت نسبی یک نارضایتی

1. Relative Deprivation Theory.

2. Ted Robert Gurr.

3. Why Men Rebel?

ایجاد می‌کند که این نارضایتی بزرگ‌ترین محرک برای اقدام فرد ضد منبع محرومیت است (مشیرزاده، ۱۳۷۱، ص. ۳۴).

دیوید رانسیمن^۱ نیز احساس محرومیت نسبی و بی‌عدالتی نسبی را حاصل زمانی می‌داند که انسان اولاً یک نیاز را می‌بیند و ادراک می‌کند، سپس می‌بیند که افراد دیگر آن را در اختیار دارند و او نیز به آن میل دارد، اما نمی‌تواند آن را به دست آورد (رفع‌پور، ۱۳۷۰، ص. ۲۰). وضعیت اقتصادی و رکودهای طولانی اقتصادی نیز از عواملی است که احساس محرومیت نسبی را تشدید می‌کند؛ زمانی که پس از یک دوره آرامش و رشد و ثبات اقتصادی، یک دوره برگشت به عقب و ضعف اقتصادی رخ می‌دهد (پناهی، ۱۳۸۹، صص. ۳۱۸-۳۱۹). او البته نظریه پرداز عدالت یا علوم اجتماعی نیست، بلکه در باب نظریه انقلاب معتقد است محرومیت واقعی لزوماً به انقلاب منجر نمی‌شود؛ بلکه برعکس احتمال وقوع انقلاب‌ها زمانی بیشتر است که بهبودی در شرایط زندگی مردم پدید آید. همین که سطح زندگی شروع به بالا رفتن می‌کند، سطح توقعات و انتظارات مردم نیز بالا می‌رود و اگر روند بهبود شرایط پس از این گُند شود، تمایل به شورش به وجود می‌آید؛ زیرا انتظارات و توقعات فزاینده با ناکامی روبرو می‌شود و ناکامی‌ها آتش شورش و اعتراض را شعله‌ور می‌کنند؛ بنابراین این محرومیت مطلق نیست که به اعتراض می‌انجامد، بلکه محرومیت نسبی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ص. ۳۸).

البته باید در نظر داشت که همیشه افراد ضعیف یا نابخوردار نیستند که احساس محرومیت نسبی می‌کنند، بلکه این وضعیت حتی برای افرادی که به ظاهر از وضعیت بهتری دارند نیز دیده می‌شود. دلیل این احساس برای آنها، مقایسه با بالاتر از خود است. به هر حال رابطه محرومیت نسبی با ادراک عدالت رابطه کتمان‌ناپذیر است.

۵-۶. رفاه ذهنی

رفاه^۲ توصیف حالتی از خوب بودن، سلامت، شادی و به‌طور کلی یک وضعیت

1. David Walter Runciman.

2. Welfare.

برخوردار از نیازهای اولیه و دیگر نیازها را در خود دارد. هنگامی که رفاه به اجتماع اضافه می‌شود، اشاره به یک وضعیت مناسب اجتماعی برای همگان دارد. (میجلی، ۱۳۷۸، ص.۴). رفاه اجتماعی از مجموعه‌ای از قوانین، برنامه‌ها و خدمات سازمان‌یافته‌ای بحث می‌کند که در پی برآوردن حداقل نیازهای اساسی آحاد کشور است (زاهدی اصل، ۱۳۷۳، ج.۲، ص.۱۰۰). ابتدا عمده تعاریف از رفاه اجتماعی به بعد مادی رفاه ناظر بود و مبتنی بر یک نگاه مادی‌گرای، رفع نیازهای اساسی مادی انسان مانند خوراک و پوشاک، رفاه در نظر گرفته می‌شد؛ ولی به تدریج رفاه اجتماعی مجموعه شرایطی تلقی می‌شود که در آن خشنودی انسان در زندگی مطرح است (ماکارو، ۱۳۷۸، ص.۱۰).

نکته مهم در بحث رفاه، توجه به تفاوت رفاه عینی و رفاه ذهنی است. اگر به اطراف خود بنگریم، افراد و خانواده‌های بسیاری را می‌بینیم که دارای رفاه عینی، یعنی قدرت کامل برای رفع نیازهایشان هستند؛ اما همچنان گویی به نظر انسان‌های رضایت‌مندی نمی‌آیند. اینجاست که وارد مقوله رفاه ذهنی می‌شویم. رفاه ذهنی^۱ به ادراکات، شناخت‌ها، برداشت‌ها و تجارب فرد باز می‌گردد (فیتز پتریک، ۱۳۸۱، ص.۲۷)؛ به عبارتی فارغ از آنچه شما دارید و از آنها برخوردارید، مهم این است که ذهن شما به چه می‌اندیشد و چگونه می‌اندیشید. آیا ذهنی شاد و راضی دارید یا از رفاه فاصله گرفته و پریشان هستید؟ برخی معتقدند رفاه ذهنی چهار قسمت دارد: الف) عواطف خوشایند؛ ب) عواطف ناخوشایند؛ ج) سنجش وضعیت زندگی؛ د) رضایت درباره مسائل زمینه‌ای همچون ازدواج، سلامت و اوقات فراغت (تمیزی، ۱۳۸۹، ص.۴۵).

یکی از موضوعات مهمی که رفاه ذهنی و کیفیت رضایت‌مندی ذهنی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، عدالت اجتماعی است. همان مطالبی که در بحث محرومیت نسبی گفتیم، در مسیر دستیابی به رفاه ذهنی نیز قابل سرایت است. هیچ‌گاه یک ناظر بیرونی و عینی متوجه نیاز ذهنی مردم نیست؛ حال آنکه ممکن است فرد در ذهن خویش احساس محرومیت کند و به ناعدالتی‌ها بیندیشد (گر، ۱۳۷۷، ص.۵۴). این قضیه برعکس هم می‌تواند

1. Mental Well-being.

باشد؛ بدین معنا که فرد اگر در ذهن خود رفاه و احساس رضایت نسبی از وضعیت خویش و جامعه نداشته باشد، به بی‌عدالتی در جامعه می‌رسد. فرد اگر به هر دلیلی رفاه ذهنی نداشته باشد، در قضاوت خود از وضعیت برابری و نابرابری در جامعه نمی‌تواند بی‌طرف عمل کند و ناچار احساس بی‌رفاهی خویش را به وضعیت عدالت و برابری و توزیع منابع در جامعه سرایت می‌دهد؛ پس در ادراک عدالت اجتماعی، وضعیت رفاه ذهنی افراد و ادراک کنندگان اهمیت بالایی دارد و فرد اگر بخواهد بی‌طرفانه وضعیت را بسنجد، باید در وضعیت فرضی خالی‌الذهن، از موضع رفاه خویش به عدالت بنگرد.

۵-۷. رابطه طبقه و درک از عدالت

از زمینه‌های غیر معرفتی مؤثر در ادراک عدالت اجتماعی، طبقه اجتماعی است. طبقه اجتماعی موضوع بسیاری از پژوهش‌های جامعه‌شناسانه بوده است؛ زیرا عضویت در یک طبقه یا تعلقات طبقه‌ای، نقش مهمی در کنش‌ها و برداشت‌ها خواهد داشت. طبقه اجتماعی^۱ چنان مهم است که حتی مفهوم سبک زندگی نیز برای سنجش آن وارد ادبیات علوم اجتماعی شد (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱، ص. ۱۱). به نظر وبر،^۲ طبقات اجتماعی زائیده فاکتور قدرت در عرصه اقتصادی هستند؛ یعنی همه افرادی که منافع و قدرت اقتصادی همسان و مشابهی دارند، تحت یک طبقه دسته‌بندی می‌شوند و دیگر مؤلفه‌های شناختی آنها نیز ذیل همان طبقه تعریف می‌شود. وبر سه شرط را برای مفهوم «طبقه» قرار می‌دهد: اولاً تعداد افرادی که قرار است در یک طبقه قرار گیرند، باید در بخش فرصت‌های زندگی وجه اشتراک داشته باشند؛ ثانیاً عللی که به تولید این فرصت‌ها برای آنها منجر شده است، نتیجه منافع اقتصادی ناشی از درآمد و تملک باشد؛ ثالثاً حاصل شرایط بازار کار و کالا نیز باشد (وبر، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۸).

طبقات اجتماعی امری ناگزیر در جامعه است و این نگاه را اندیشمندان اسلامی نیز تأیید می‌کنند. آیت‌الله جوادی آملی ذیل «تعبیر و کل قد سمي الله له سهم» (نهج‌البلاغه،

1. Social class.

2. Max Weber.

نامه ۵۳)، از امیر مؤمنان علیه السلام می گوید دادن سهم‌ها متفرع بر وجود طبقات اجتماعی است و اقتضای حکمت الهی این است که جامعه بدون طبقات متعدد شکل نگیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۳). شهید مطهری نیز در تفسیر آیه «نَحْنُ قَسَمًا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ» (زخرف، ۳۲) اشاره می کند که مردم از نظر امکانات معیشتی، یکنواخت آفریده نشده‌اند و لازمه اختلاف، وجود طبقات اجتماعی متعدد است (مطهری، ۱۳۸۰، ج. ۴، ص. ۷۸۲). البته این به معنای مشروعیت بخشی به طبقات اجتماعی نیست؛ بلکه صرفاً ناگزیر بودن این امر را می‌رساند.

طبقه اجتماعی فرد باعث می‌شود او در گروهی خاص با ویژگی‌های مشترک زیست کند و خود را در کنار عده‌ای هم طبقه‌ای ببیند. اصولاً نگاه به طبقه‌های دیگر در جامعه همواره اتفاق می‌افتد و این نگاه می‌تواند از جنس آرزو، تأسف، تقلید و... باشد. «اصولاً این قضیه‌ای عمومی است که هر طبقه نسبت به طبقه (لایه)‌ای بالاتر از خود در سلسله مراتب اجتماعی، رشک و چشم‌وهم‌چشمی نشان دهد و کمتر کسی وجود دارد که خود را با آنها که پایین تر هستند یا با آنان که خیلی بالاتر هستند، سنجیده و به آنها رشک یا چشم‌وهم‌چشمی نشان دهد. این جریان به‌ویژه در جوامعی که تمایز طبقاتی تا حدودی نامعلوم است، چندان ادامه می‌یابد که تمام قوانین اعتبار و تجمل و آراستگی و تمام استانداردهای مصرف به مراتب نامحسوسی از عرف‌های اجتماعی و طرز تفکر بالاترین و دارا ترین طبقه، یعنی طبقه ثروتمند تن‌آسا می‌رسد» (باکاک، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۹). دستاورد این نوع نگاه به طبقات بالاتر احساس نابرابری است. فرد در طبقه پایین تر با دیدن وضعیت متفاوت دیگران در طبقات بالاتر، متوجه چیزهایی می‌شود که فاقد آن است. به محض این مقایسه، ادراک عدالت در ذهن او تغییر می‌کند و این تغییر با سوگیری خواهد بود.

البته در طبقات پایین تر جامعه، یعنی طبقات فقیرتر گاهی چنان فقر و فقدان منابع عادی می‌شود که دیگر نابرابری بخشی از ذات طبقه می‌شود و فرد دیگر به آن توجهی ندارد و حتی آن را می‌پذیرد. رابینسون و بل، دو محقق آینده‌پژوهی اجتماعی، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که طبقات پایین جامعه نابرابری را تا حدی می‌پذیرند و

صرفاً پرداخت حقوق متناسب با کار را درخواست دارند (Robinson & Bell, 1978, p.130).

۵-۸. رسانه و درک از عدالت

بی‌گمان رسانه به سبب تأثیرات کلان و ژرفی که دارد، می‌تواند هر نوع ادراکی را در مخاطب تحت تأثیر قرار دهد و ادراک عدالت اجتماعی نیز از این قاعده مستثنا نیست. رابطه میان استفاده از رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون، رادیو، ماهواره و روزنامه و ادراک عدالت، نیازمند کارهای میدانی و پیمایشی است؛ اما از حیث نظری می‌توان ذیل نظریه‌هایی مانند برجسته‌سازی این ادعا را ثابت کرد.

کارهای میدانی به عنوان مثال مقاله «بررسی رابطه بین میزان مصرف رسانه‌ای و میزان احساس عدالت بین دانشجویان دانشگاه مازندران»، اثبات می‌کند که تماشای تلویزیون داخلی اثر مثبت بر افزایش احساس عدالت دارد و تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای احساس عدالت را کاهش می‌دهد.

آنچه به‌طور کلی قابل اثبات است، اصل رابطه رسانه و ادراک عدالت است؛ برای مثال نظریه برجسته‌سازی^۱ می‌تواند توضیح دهد که رسانه بعضاً موضوع عدالت و ادراک آن را چگونه به جامعه منتقل می‌کند. برجسته‌سازی به این معناست که رسانه تعیین می‌کند مردم به چه موضوعاتی بیندیشند (شاکری، ۱۳۸۴، ص. ۷۸) و اولویت‌های رسانه‌ای آنها را مشخص می‌کند. این تعیین و تشخیص با انواع ترفندهای رسانه‌ای و ارتباطی صورت می‌گیرد و از مسیر یک ساز و کار شناختی اولویت‌های ذهنی و مورد انتظار مخاطب را تغییر می‌دهد. تأکید و تمرکز اخبار بر موضوعاتی مانند فساد و بی‌عدالتی یا تولید برنامه‌های انتقادی اقتصادی و سیاسی می‌تواند اولویت مخاطب را به سمت موضوع عدالت سوق دهد. تکرار بیش‌ازحد نابرابری‌ها در اخبار و برنامه‌های تحلیلی، ادراک عدالت را در ذهن مخاطب به سمت بی‌عدالتی خواهد برد. البته همین مسئله می‌تواند برعکس باشد: سفید نشان‌دادن جامعه و بازنمایی وضعیت خوب نیز ادراک عدالت را مطلوب خواهد کرد.

1. Agenda Setting.

نظریه کاشت نیز همین روند را تأیید می‌کند. نظریه کاشت^۱ بر آثار تدریجی و درازمدت رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون، بر شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطبان از دنیای اطراف و مفهوم‌سازی آنان از واقعیت اجتماعی تأکید می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۶۸). این نظریه بیشتر روی تلویزیون به عنوان یکی از رسانه‌های مهم جمعی تمرکز دارد و معتقد است پیام‌های رسانه می‌تواند واقعیت را متفاوت با تجربه شخصی مخاطب و دیگر ابزار شناخت، برای وی بازنمایی کند (مک‌کوایل، ۱۳۸۵، ص. ۳۹۹). گرنبر به عنوان ارائه‌دهنده نظریه کاشت، پیام‌های تلویزیون را همیشه منطبق با واقعیات نمی‌داند و معتقد است تلویزیون با استفاده از تکرار دائمی می‌تواند دیدگاه مورد وفاق جامعه را تغییر دهد (گوتتر، ۱۳۸۴، ص. ۳۱۰) و نظر خود را به عنوان جهان واقعی در ذهن مخاطب به اصطلاح بکارد. اساساً نظریه کاشت فرایند شناخت جامعه را هدف می‌گیرد و پیام خود را خارج از روند طبیعی شناخت که برای فرد اتفاق می‌افتد، در ذهن او می‌کارد. تلویزیون فارغ از اینکه آیا بازنمایی واقعی دارد یا خیر، قدرت این را دارد که ادراک عدالت مخاطب را دستکاری کند. طبق نظریه چارچوب‌سازی^۲ رسانه نیز رسانه‌ها واقعیت را می‌سازند. چارچوب‌ها همان ساختارهای شناختی هستند که نحوه ادراک را تعیین می‌کنند؛ به عبارت دیگر طرح‌واره‌های شناختی که بر نحوه ادراک و فهم ما از واقعیت تأثیر می‌گذارند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۸۶). نظریه چارچوب‌سازی افزون بر کارکردی که نظریه برجسته‌سازی در تعیین موضوعات دارد، چگونه فکر کردن را نیز تعیین می‌کند؛ اینکه چگونه فرد باید به عدالت اجتماعی بیندیشد. رسانه می‌تواند نابرابری‌های جامعه را به ناکارآمدی نظام منتسب کند یا عملکرد اشخاص را علت اصلی وضعیت ناعادلانه بداند. به هر حال می‌تواند تعیین کند که مخاطب نابرابری‌های جامعه را چگونه تفسیر کند: آیا حاصل تلاش دشمن است یا سیاست‌های داخلی نیز در این امر سهیم هستند؟

از سوی دیگر نظریه مارپیچ سکوت^۳ نیز می‌تواند تأثیر رسانه بر ادراک عدالت را

1. Cultivation Theory.

2. Framing.

3. Spiral of silence.

توضیح دهد. این نظریه می‌گوید اگر با افکار عمومی شکل گرفته در جامعه مخالف باشید، به دلیل اینکه ممکن است در اقلیت قرار گیرید، ترجیح می‌دهید ساکت باشید و مخالفت خود را بیان نکنید. حال تصور کنید به دلیل پیام‌های ممتد و متعدد رسانه‌ای، افکار عمومی وضعیت جامعه را وضعیتی عادلانه نمی‌دانند. در این فراگیری، اگر بخواهید درباره‌ی بعضی وضعیت‌های مناسب و عادلانه جامعه صحبت کنید، در اقلیت قرار می‌گیرید؛ بنابراین ادراک شما در تقابل با این اکثریت، به تدریج متفاوت می‌شود.

نتیجه‌گیری

ادراک عدالت اجتماعی به عنوان یکی از ادراک‌ها و برداشت‌های مهم مردم، می‌تواند وفاق اجتماعی، مشارکت سیاسی و نظم اجتماعی را با چالش روبرو کند؛ البته اگر به‌درستی شکل بگیرد و هدایت شود، به حرکت جامعه به سمت وفاق، نظم و مشارکت بیشتر کمک خواهد کرد. با توجه به پژوهش‌های انجام شده، به‌ظاهر و دست‌کم در حال حاضر، مردم ادراک خوبی از وضعیت عدالت در جامعه ندارند و کلیت جامعه را جامعه‌ای عادلانه درک نکرده‌اند؛ بنابراین باید عواملی که به این ادراک دامن می‌زنند، بررسی شوند تا اگر امکان مداخله مثبت و هدایت کارگشا در این عوامل و نتایج آنها وجود دارد، این اتفاق بیفتد. ادراک عدالت، ادراکی اجتماعی حاصل از تعامل محیطی با محیط اجتماعی است که از ادراک عدالت به‌مثابه عدالت اجتماعی حکایت می‌کند، نه از ادراک فردی. این ادراک می‌تواند ماهیتی چندگانه (تلفیقی یا جداگانه) از احساس، هیجان و انگاره داشته باشد. فارغ از بحث ماهیت ادراک عدالت، عوامل مؤثر بر ادراک عدالت به دو گروه اصلی عوامل و زمینه‌های معرفتی و غیرمعرفتی تقسیم می‌شود.

قوانین گشتالت به عنوان یکی از زمینه‌های غیرمعرفتی، بیان می‌دارد شخص برای ادراک وضعیت عدالت، تمام سلسله علل و عوامل منجر به وضعیت عدالت در جامعه را لحاظ نکند و فقط از یک علت جزئی به تمام معلول منتقل شود. صرفه‌جویی ساختار ادراکی همان مسئله‌ای است که اتفاق می‌افتد و فرد سریعاً به یک ادراک ناصواب دست می‌یابد. «اسناد» به عنوان یکی دیگر از روندهای غیرمعرفتی از رفتار ادراکی

انسان، در اسناد دادن یک فعل یا وضعیت به یک عامل حکایت دارد. عموماً این اسناد به طور ناقص اتفاق می‌افتد. چرا انسان زمانی که فاعل در وضعیت است، با زمانی که ناظر وضعیت است به دو شکل ارزیابی می‌کند.

نظریه انصاف نیز به نقش داده‌ها و ورودی‌های انسان در ادراک عدالت اجتماعی اصرار می‌ورزد و معتقد است اگر دریافتی‌های فرد در مقایسه با دیگران و در مقایسه با ورودی‌هایش کمتر باشد، در ادراک وی از نابرابری اثر می‌گذارد. در نظریه مقایسه اجتماعی نیز افراد خود را با یکدیگر مقایسه می‌کنند و به طبع این مقایسه به دلیل اینکه همیشه بالاتر از آنها وجود دارد، رهاوردی جز حسرت و تأثیر نامطلوب در ادراک عدالت اجتماعی ندارد.

محرومیت نسبی چه به صورت واقعی و عینی و چه احساس محرومیت، عامل بسیار مهم غیر معرفتی مؤثر بر ادراک عدالت اجتماعی است. رفاه ذهنی عامل دیگری است که به فرد اجازه نمی‌دهد ادراک معقولی از وضعیت عدالت داشته باشد. رفاه ذهنی آرامش درونی در انسان است که حتی وضعیت نابرابری را نیز برابر جلوه می‌دهد.

به طور کلی مفهوم طبقه امری مهم در شرایط غیر معرفتی است. طبقه اجتماعی برای فرد شرایطی را ایجاد می‌کند که درباره عدالت ادراک خاصی داشته باشد. این فهم را می‌توان هم در رفتارشناسی پارتو و هم طبقه‌شناسی اجتماعی و بر دید.

مهم‌ترین بخش از عوامل غیر معرفتی را شاید رسانه بر عهده دارد. رسانه‌ها می‌توانند برای ذهن شما خوراک تهیه کنند و ادراک عدالت را به سمتی که می‌خواهند، هدایت کنند؛ گاهی با نابرابر نشان دادن وضعیت، گاهی با تبدیل موضوع عدالت به برجسته‌ترین موضوع جامعه و گاهی با ایجاد یک مارپیچ سکوت در جامعه درباره وضعیت نابرابر.

اتفاقاً مبتنی بر رابطه رسانه و سیاست، حکمرانی مطلوب زمانی اتفاق می‌افتد که دولت‌ها و حاکمیت‌ها از ظرفیت رسانه برای اصلاح ادراک عدالت اجتماعی کمک بگیرند.

از آن جهت که دولت‌ها و رسانه‌های در حاکمیت و تمام رسانه‌هایی که مسئله ادراک عدالت را برای حیات سیاسی جامعه ضروری می‌شمارند، ذیل نظریه‌هایی مانند

کاشت، چارچوب‌سازی، ماریج سکووت و غیره که پیش‌تر بیان شد، باید برای این ادراک تلاش کنند. اساساً حکمرانی در معنای امروزی‌اش، یعنی دخیل کردن مردم در حکمرانی و ادراک صحیح از وضعیت عدالت اجتماعی شرط اولیه این دخالت است. بخش عمده‌ای از اصلاح ادراک عدالت اجتماعی، به تلاش‌های حاکمیت در اصلاح وضعیت واقعی عدالت و بسط عدالت اجتماعی مربوط می‌شود؛ زیرا در واقع وضعیت واقعی عدالت می‌تواند به ادراک عدالت هم کمک رساند؛ اما بخش دیگری که بسیار مهم است، برداشت‌های فرد از وضعیت عدالت می‌باشد که از رسانه حاصل شده است. محرومیت نسبی، رفاه ذهنی، نظریه‌ی اسناد، تأثیر طبقه و بیشتر عوامل غیر معرفتی که بیان شد، وجهی رسانه‌ای دارند؛ بدین معنا که پیام‌های رسانه‌ای معلق در جامعه و پیام‌های رسانه‌ای که برای مخاطب خاص تولید شده‌اند، به این عوامل ضریب می‌دهند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
اباذری، ی.؛ چاووشیان، ح. (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی. علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص. ۲۷-۳.
- ارونسون، ا. (۱۳۸۷). روان‌شناسی اجتماعی. (چاپ پنجم). ح. شکرگن (مترجم). تهران: رشد.
ازکمپ، ا. (۱۳۹۲). روان‌شناسی اجتماعی کاربردی. ف. ماهر (مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی.
ایروانی، م.؛ خداپناهی، م. ک. (۱۳۷۱). روان‌شناسی احساس و ادراک. تهران: انتشارات سمت.
باقری‌فر، ع. (۱۳۹۴). اهمیت و عوامل اثرگذار بر فرایندهای ادراکی در سازمان‌ها. در: اولین همایش علمی پژوهشی روان‌شناسی، علوم تربیتی و آسیب‌شناسی جامعه.
باکاک، ر. (۱۳۸۱). مصرف. خ. صبری (مترجم). تهران: شیرازه.
باورز، ج. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر طراحی دوبعدی: درک فرم و کارکرد. س. صالحی و م. زاهدی (مترجم). تهران: حرفه هنرمند.
بخاری، م. (۱۴۲۲ ق). صحیح البخاری. (ج. ۷). دمشق: دار ابن کثیر.
بشیریه، ح. (۱۳۸۳). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (لیبرالیسم و محافظه‌کاری). (ج. ۲). تهران: نشر نی.
بهارلو، ح. و همکاران (۱۳۹۶). مقایسه سبک‌های اسناد و باور به دنیای عادلانه بین افراد روان‌رنجور گرا، برون‌گرا و عادی. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۱۲(۷)، صص. ۳۵-۵.
- پناهی، م. ح. (۱۳۸۹). نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها. تهران: انتشارات سمت.
تمیزی، ر. (۱۳۸۹). تبیین نسلی تغییر ارزش‌ها و ارتباط آن با رفاه اجتماعی شهروندان تهرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). انقلاب اسلامی. تهران: دفتر نشر معارف.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۷). تفسیر موضوعی قرآن. قم: انتشارات اسراء.
- چلبی، م. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
- حرّعاملی، م. (۱۳۸۷). وسائل الشیعة (ج. ۲۷، ۱۷). قم: نشر اسلامیه.
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه گام دوم انقلاب.
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۷۶/۴/۲۵). بیانات در جمع فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech.content?id=2844>
- دهقان، ع.ر. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۳، صص ۲۵-۳۰.
- راش، م. (۱۳۹۳). جامعه و سیاست. م. صبوری (مترجم) تهران: سمت.
- راغفر، ح.؛ فدوی اردکانی، م. (۱۳۹۳). چهارچوبی تحلیلی در نظریه توسعه: فرهنگ، قدرت و نابرابری. بررسی مسائل اقتصادی ایران، ۱(۲)، صص ۹۱-۱۱۵.
- رضائیان، ع. (۱۳۸۶). مبانی مدیریت و رفتار سازمانی. تهران: انتشارات سمت.
- رضایپور، ا. (۱۳۷۵). درک عدالت در میان جوانان. (استاد راهنما: محمداصادق مهدوی).
- پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۰). جامعه روستایی و نیازهای آن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریو، ج.م. (۱۳۸۵). انگیزش و هیجان. ی. سیدمحمدی (مترجم). تهران: نشر ویرایش.
- زاهدی اصل، م.ر. (۱۳۷۳). مفاهیم رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی. در: مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه (ج. ۲). تهران: سمت.
- سپاه‌منصور، م. و همکاران (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای مقایسه اجتماعی در رابطه با حمایت اجتماعی ادراک‌شده والدین و همسالان با مادی‌گرایی در دانش‌آموزان دوره متوسطه. شناخت اجتماعی، ۴(۸)، صص ۱۸۹-۱۰۱.
- سلیمی، غ.ر.؛ پورعزت، ع.ا. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر رابطه ادراک بی‌عدالتی در سازمان بر گسترش میل به فساد اداری. اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۷، صص ۱۳۱-۱۵۹.

- شاپوریان، ر. (۱۳۸۶). اصول کلی روان‌شناسی گشتالت. تهران: یساوولی.
- شاکری، م. (۱۳۸۴). رسانه‌های جمعی و انتخابات ریاست جمهوری. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- شمس اسفندآباد، ح. (۱۳۸۴). روان‌شناسی تفاوت‌های فردی. تهران: انتشارات سمت.
- طالبان، م. ر. (۱۳۷۳). تحلیل اجتماعی از خشنودی شغلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- طباطبایی، س. م. ح. (۱۳۸۳). المیزان فی تفسیر القرآن. (ج. ۱۶). قم: جامعه مدرسین.
- طوسی، م. (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیه. (ج. ۸). م. ت. کشفی (محقق و مصحح). قم: جامعه مدرسین.
- فیتز پتریک، ت. (۱۳۸۱). نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟ ه. همایون پور (مترجم). تهران: نشر گام نو.
- قاسمی، و همکاران. (۱۳۸۹). تحلیلی جامعه‌شناختی بر احساس عدالت در بین معلمان شهر زنجان. علوم اجتماعی، شماره ۵۱، صص ۱۰۷-۱۳۷.
- کاظمی نجف آبادی، م.؛ آذربایجانی، ع. ر. (۱۳۹۶). درنگی در مفهوم احساس عدالت قضایی. حقوق اسلامی، شماره ۵۴، صص ۱۳۶-۱۵۸.
- کشاورز، ح. و همکاران (۱۳۹۵). اثر گشتالت‌درمانی بر اضطراب فراگیر و اضطراب امتحان دانشجویان. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، شماره ۷، صص ۸۵-۱۰۲.
- کورمن، آ. ک. (۱۳۷۰). روان‌شناسی صنعتی و سازمانی. ح. شکرکن (مترجم). تهران: رشد.
- کاپلستون، ف. (۱۳۹۳). تاریخ فلسفه (فیلسوفان انگلیسی، از هابز تا هیوم). (جلد پنجم). سروش.
- گر، ت. ر. (۱۳۷۷). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ ع. مرشدی‌زاده (مترجم). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گونتر، ب. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق رسانه‌ای. م. نیکو (مترجم). تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی. م. صبوری (مترجم). تهران: نشر نی.

- ماکارو، د. (۱۳۷۸). رفاه اجتماعی (ساختار و عملکرد). م.ت. جغتایی و ف. همتی (مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- مجلسی، م.ب. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. (ج.۲۸). بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مشیرزاده، ح. (۱۳۷۱). درآمدی نظری به جنبش‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده امام خمینی.
- مطهری، م. (۱۳۸۰). مجموعه آثار. (ج.۴). تهران: صدرا.
- مک کوایل، د. (۱۳۸۵). نظریه ارتباطات جمعی. پ. اجلالی (مترجم). (چاپ دوم). تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- منصوری، ع.ع؛ محمدزاده، ر. (۱۳۹۱). نقش عوامل معنوی در معرفت با تکیه بر قوه وهم از نگاه ملاصدرا. پژوهشنامه فلسفه دین، ۱۰(۱)، صص. ۵-۲۲.
- مهدی‌زاده، س.م. (۱۳۸۹). نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. نشر همشهری.
- میجلی، ج. (۱۳۷۸). رفاه اجتماعی در جهان. م.ت. جغتایی (مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- میرسندهی، س.م. (۱۳۸۹). تحلیل درک مردم از عدالت. مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۴، صص. ۸۴-۹۶.
- میرسندهی، س.م. (۱۳۹۰). چشم‌انداز جامعه‌شناسی به عدالت. مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- الوانی، س.م. (۱۳۸۶). مدیریت عمومی. تهران: نشر نی.
- ویر، م. (۱۳۸۹). دین، قدرت و جامعه. ا. تدین (مترجم). تهران: نشر هرمس.
- هزارجریبی، ج. (۱۳۹۰). بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۴۳)، صص. ۴۱-۶۲.
- Willson, C.A.P. (2000). *Mural Painting in Britain 1840-1940: Image and Meaning*. Oxford: Oxford University Press.
- Gurr, T.R. (1970). *Why Men Rebel?* Princeton University Press.

Hegtvedt, K.A. & Barry, M. (1995). Justice and Injustice. In: *Sociological Perspective on Social Encyclopedia*, pp. 257-280.

Robinson, R.V. & Bell, W. (1978). Equality, Success, and Social Justice in England and the United States. *American Sociological Review*, 43(2), pp.125-143.

James, W. (2008). *The Will to believe*. New York: Henry Holt.

References

* Holy Quran

** Nahj-al-Balagha

Abazari, Y., & Chavoshian, H. (2002). From social class to lifestyle. *Social Sciences*, (20), 3-27. [In Persian]

Alvani, S. M. (2007). *Public management*. Tehran: Ney. [In Persian]

Aronson, E. (2008). *Social psychology* (5th ed., H. Shokrkon, Trans.). Tehran: Roshd. [In Persian]

Azkamp, E. (2013). *Applied social psychology* (F. Maher, Trans.). Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Persian]

Baharloo, H., et al. (2017). Comparison of attribution styles and belief in a just world among neurotic, extroverted, and normal individuals. *Cognitive and Behavioral Science Research*, 7(12), 5-35. [In Persian]

Bakak, R. (2002). *Consumption* (K. Sabri, Trans.). Tehran: Shiraze. [In Persian]

Baqerifar, A. (2015). *The importance and influencing factors on perceptual processes in organizations*. In Proceedings of the First Scientific-Research Conference on Psychology, Educational Sciences, and Social Pathology. [In Persian]

Bavarz, J. (2012). *An introduction to two-dimensional design: Understanding form and function* (S. Salehi & M. Zahedi, Trans.). Tehran: Herfe Honar Mand. [In Persian]

Beshirieh, H. (2004). *History of political thought in the twentieth century: Liberalism and conservatism* (Vol. 2). Tehran: Ney. [In Persian]

Bokhari, M. (2001). *Sahih al-Bokhari* (Vol. 7). Damascus: Dar Ibn Kathir. [In Arabic]

Chalbi, M. (2003). *Sociology of order*. Tehran: Ney. [In Persian]

Copleston, F. (2014). *A history of philosophy (English philosophers, from Hobbes to Hume)* (Vol. 5). Soroush. [In Persian]

- Dehqan, A.R. (2008). The impact of media on public opinion. *Social Sciences Letter*, (13), 3-25. [In Persian]
- Fitzpatrick, T. (2002). *The theory of welfare: What is social policy?* (H. Homayunpour, Trans.). Tehran: Gham-e No. [In Persian]
- Giddens, A. (2004). *Sociology* (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
- Greer, T. R. (1998). *Why do humans rebel?* (A. Morshedizadeh, Trans.). Tehran: Strategic Studies Research Institute. [In Persian]
- Group of authors. (2008). *Islamic Revolution*. Tehran: Office for the Publication of Knowledge. [In Persian]
- Gunter, B. (2005). *Media research methods* (M. Nikoo, Trans.). Tehran: Research Department of Broadcasting. [In Persian]
- Gurr, T. R. (1970). *Why Men Rebel?* Princeton University Press.
- Hazharjiri, J. (2011). An examination of the sense of social justice and its influencing factors. *Applied Sociology*, 22(43), 41-62. [In Persian]
- Hegtvedt, K. A. & Barry, M. (1995). *Justice and Injustice*. In: *Sociological Perspective on Social Encyclopedia*.
- Hurr Amili, M. (2008). *Wasail al-Shi'a* (Vols. 27 & 17). Qom: Islamic. [In Arabic]
- Iravani, M., & Khodapanahi, M.K. (1992). *Psychology of emotion and perception*. Tehran: Samt. [In Persian]
- James, W. (2008). *The Will to believe*. New York: Henry Holt.
- Javadi Amoli, A. (2008). *Thematic interpretation of the Quran*. Qom: Israa. [In Persian]
- Kazemi Najafabadi, M., & Azerbaijanian, A. R. (2017). A reflection on the concept of judicial justice. *Islamic Law*, (54), 136-158. [In Persian]
- Keshavarz, H., et al. (2016). The effect of Gestalt therapy on generalized anxiety and exam anxiety in students. *Culture of Counseling and Psychotherapy*, (7), 85-102. [In Persian]

- Khamenei, S. A. (1997). *Remarks to the commanders and personnel of the Law Enforcement Force*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2844> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2018). *Statement on the second step of the Revolution*. [In Persian]
- Korman, A.K. (1991). *Industrial and organizational psychology* (H. Shokrkon, Trans.). Tehran: Roshd. [In Persian]
- Mahdizadeh, S. M. (2010). *Media theories: Common ideas and critical perspectives*. Hamshahri. [In Persian]
- Majlisi, M. B. (2024). *Bihar al-Anwar* (Vol. 28). Beirut: Al-Wafa. [In Arabic]
- Makaru, D. (1999). *Social welfare: Structure and function* (M.T. Jaghatai & F. Hemati, Trans.). Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. [In Persian]
- Mansouri, A. A., & Mohammadzadeh, R. (2012). The role of spiritual factors in knowledge based on the imaginative faculty from Mulla Sadra's perspective. *Journal of Religious Philosophy*, 10(1), 5-22. [In Persian]
- McQuail, D. (2006). *Mass communication theory* (2nd ed., P. Ejlali, Trans.). Tehran: Media Studies and Development Office. [In Persian]
- Migli, J. (1999). *Social welfare in the world* (M. T. Joghatai, Trans.). Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. [In Persian]
- Mir Sanjisi, S. M. (2010). An analysis of people's perception of justice. *Iranian Social Studies*, (4), 84-96. [In Persian]
- Mir Sanjisi, S. M. (2011). *A sociological perspective on justice*. Institute for Research and Development in Humanities. [In Persian]
- Moshirzadeh, H. (1992). *A theoretical introduction to social movements*. Tehran: Imam Khomeini Research Institute. [In Persian]
- Motahari, M. (2001). *Collected works* (Vol. 4). Tehran: Sadra. [In Persian]
- Panahi, M.H. (2010). *Theories of revolution: Occurrence, process, and consequences*. Tehran: Samt. [In Persian]

- Qasemi, W., et al. (2010). A sociological analysis of the sense of justice among teachers in Zanjan city. *Social Sciences*, (51), 107-137. [In Persian]
- Rafipour, F. (1991). *Rural society and its needs*. Tehran: Shareholding Company for Publication. [In Persian]
- Raghfar, H., & Fadavi Ardakani, M. (2014). An analytical framework in development theory: Culture, power, and inequality. *Economic Issues of Iran*, 1(2), 91-115. [In Persian]
- Rash, M. (2014). *Society and politics* (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Samt. [In Persian]
- Rezaiyan, A. (2007). *Foundations of management and organizational behavior*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Rezapur, E. (1996). *Understanding justice among youth* (Supervisor: M. S. Mahdavi). Master's thesis. Shahid Beheshti University, Tehran. [In Persian]
- Robinson, R. V. & Bell, W. (1978). Equality, Success, and Social Justice in England and the United States. *American Sociological Review*, 43(2), 125-143.
- Ryu, J. M. (2006). *Motivation and emotion* (Y. Seyed Mohammadi, Trans.). Tehran: Virayesh. [In Persian]
- Salimi, G. R., & Pour Ezzat, A. A. (2010). Examining the impact of perceived injustice in organizations on the propensity for administrative corruption. *Strategic Management Thought*, (7), 131-159. [In Persian]
- Sepah Mansour, M., et al. (2015). The mediating role of social comparison in the relationship between perceived parental and peer social support and materialism in high school students. *Social Cognition*, 4(8), 89-101. [In Persian]
- Shakeri, M. (2005). *Mass media and presidential elections*. Qom: Islamic Research Center of Radio and Television. [In Persian]
- Shams Esfandabad, H. (2005). *Psychology of individual differences*. Tehran: Samt. [In Persian]

- Shapourian, R. (2007). *General principles of Gestalt psychology*. Tehran: Yasavoli. [In Persian]
- Tabatabai, S. M. H. (2004). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 16). Qom: Society of Teachers. [In Arabic]
- Talebian, M. R. (1994). *A social analysis of job satisfaction*. Master's thesis. Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian]
- Tamizi, R. (2010). *A generational explanation of value change and its relationship with the social welfare of Tehran citizens*. Master's thesis, University of Tehran. [In Persian]
- Tusi, M. (2007). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah* (M. T. Kashfi, Ed., Vol. 8). Qom: Society of Teachers. [In Arabic]
- Weber, M. (2010). *Religion, power, and society* (A. Tadin, Trans.). Tehran: Hermes. [In Persian]
- Willson, C. A. (2000). *Mural Painting in Britain 1840-1940: Image and Meaning*. Oxford: Oxford University Press.
- Zahedi Asl, M. R. (1994). *Concepts of social welfare and social security*. In Collection of Articles from the Sociology and Development Seminar (Vol. 2). Tehran: Samt. [In Persian]